

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب

سرمقاله ۵

مقاله‌ها



الکساندر جی ایلس و جایگاه او در تاریخچه‌ی قوم‌موسیقی‌شناسی ۷
جاناتان سٹاک / ترجمه‌ی ناتالی چوبینه

اسلام، دولت ترکیه و عربسک ۳۱
مارتین اسٹکز / ترجمه‌ی ناتالی چوبینه

بررسی سازهای ایران در کشفیات باستان‌شناسی ۵۱
سید حسین میثمی

حیات موسیقایی در دربار بابر و همایون گورکانی ۸۷
سارا کلاتری

ایقاع در رساله‌ی مقدمه‌الاصول، ۱۰۵
اثر نظام‌الدین علی‌شاه بن حاجی بوکه اوبهی (قرن نهم ق.)
بابک خضرائی

۱۲۱ مقام‌های تنبور یارسان (۲)
حیدر کاکی

۱۳۷ نگرش کیهانی در موسیقی: بررسی تطبیقی چند رساله از قرون ۱۰ تا ۱۲ هجری
فردیس فیض‌بخش و سارا کلانتری

مفاهیم بنیادین



۱۴۹ صدای موسیقایی و ورودی بستر موسیقی: یک مدل اجرا برای تحلیل موسیقی
رگولا بوکهارت قریشی / ترجمه‌ی ناتالی چوبینه

۱۸۱ تأملاتی در باب نقد موسیقی
رَلف هیل / ترجمه‌ی ناتالی چوبینه

گزارش



۱۹۳ گزارش کنگره‌ی موسیقی جهان اسلام، اسیله (مراکش)، ۸ تا ۱۳ اوت ۲۰۰۷
ساسان فاطمی

۲۱۱ تا فصلی دیگر...
سیدمحمد موسوی

کتاب‌ها و سی‌دی‌های تازه‌ی موسیقی



۲۱۵

Shiraz-Beethoven.ir

«سیاست عربسک»

در ترکیه اسلام و سنت دولتی تا حد زیادی مخالف خوان یکدیگرند، و ادعاهای هردو حاکی از انحصارطلبی است. اسلام فقط وجود جمعیت مسلمان، امت، را به رسمیت می‌شناسد که در آن اقتدار به حکم وحی الاهی اعطا می‌شود. ترکی‌گرایی نیز فقط وجود دولت را به رسمیت می‌شناسد، که دین در آن امری خصوصی به‌شمار می‌رود، و اقتدار به‌دست «مردم» اعطا می‌شود. مصطفی‌کمال (آتاتورک)، معمار انقلاب ترکیه و بازوی سیاسی نظریه‌ی ترکی‌گرا از ۱۹۲۳ تا درگذشتش در ۱۹۳۸، در چارچوب سنت طولانی اصلاح دیوان‌سالاری عمل می‌کرد که تاریخچه‌ی آن به دوره‌ی «تنظیمات» (۱۸۳۹-۱۸۷۶) برمی‌گردد (Heper 1985). با وجود این، دیدگاه غیرمذهبی و غربی‌نگر او به بسیاری دلایل گوناگون با مقاومت عده‌ی زیادی روبه‌رو شد. نقش ترکیه در بروز موازنه‌ی قدرت در جنگ سرد با فشار خارجی برای برقراری یک دموکراسی سبک غربی همراه بود. این برای بورژوازی صنعتی نشأت‌گرفته از قیمومت دولت و برای توده‌ی روستاییان زمین‌دار با تولید خرد پیشنهاد جذابی محسوب می‌شد. نخستین انتخابات آزاد در ترکیه در ۱۹۵۰ شاهد رأی نیاوردن و کنار رفتن فوری حزب مصطفی‌کمال به‌نفع حکومتی سرسپرده‌ی عقب‌کشیدن ساعت اصلاحات، ترویج لیبرالیسم اقتصادی و نشان دادن دوباره‌ی اسلام در مرکز زندگی جمعی بود. سیاست ترکیه آشکارا بین این دو قطب در نوسان بود، زیرا حکومت‌های مردم‌گرا در دوره‌هایی به‌دست نظامیانی که سعی در برداشتن مانع از سر راه اصلاح‌گرایی دیوان‌سالارانه داشتند و می‌خواستند به‌پیروی از الگویی آشنا در تاریخ سیاسی آمریکای جنوبی مهار اقتصاد را به‌دست بگیرند، سرنگون شدند. این روند در دوران شدت گرفتن خشونت سیاسی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، و تازه‌ترین کودتای نظامی در ۱۹۸۰ به اوج رسید.

حکومت فعلی در عین وابستگی به قانون اساسی سال ۱۹۸۳ (به‌مهندسی نظامیان) مبنی بر فراگیر کردن آرمان‌های دولت‌گرایی (مصطفی‌کمال‌مسلك، سیاست بازار آزاد را پیشه کرده است. این نظرگاه سیاسی در تمامی گفتمان‌های دانشگاهی، مطبوعاتی و مردمی حفظ می‌شود تا به‌درد تجدید حیات اسلام «بنیادگرا» و عربسک، هردو، بخورد؛ هردوی اینها جنبه‌هایی از یک مسئله هستند که اغلب با کلمات «استیلای حاشیه» توصیف می‌شود. دولت ترکیه به‌چشم جامعه‌شناسان این کشور، به‌پیروی از خوانش خاصی از پنداشت وبری از موروثی‌گرایی، به‌روشنی به دو شاخه‌ی سنت دولتی دیوان‌سالارانه‌ی مرکزی و نوعی حاشیه‌ی «سنتی» تقسیم شده که دشمن اصلاحات اعمال‌شده است (Heper 1985; Mardin 1973). در این مدل، عربسک به‌روشنی هم‌ردیف نوعی حاشیه‌ی ارتجاعی قرار داده می‌شود. این حاشیه، با نیازهای فرهنگی عقب‌رانده‌شده از جانب روند اصلاحات، آمیزه‌ای از موسیقی خارجی (که به‌راحتی توسط رادیوی مصر در دسترس قرار می‌گیرد) و منابع فرهنگی سنتی خودش برای پدید آوردن موسیقی‌ای پاسخگوی نیازهای خویش به‌وجود آورده است. این برهان زیربنای مقدار زیادی از ادبیات اخیر ترکیه در باب عربسک را تشکیل می‌دهد (Egribel 1984; Güngör 1990). من به‌دلیل برجستگی‌ای که عربسک در دهه‌ی ۱۹۸۰

زاکس (Sachs 1940: 81) نیز به چنگی اشاره می‌کند که از معبد سامارات‌ها^{۱۵} کشف شده و هم‌اکنون در موزه‌ی Antiquarium of the Berlin Saatsmuseum نگهداری می‌شود. وی این فوام را ایرانی دانسته و اظهار می‌دارد چنگ کشف‌شده همانند چنگ‌هایی است که در شکل فوق، تصویر شماره ۳، نشان داده شده است. احتمالاً چنگ بدست‌آمده مربوط به نیم قرن بعد بوده است، زیرا این چنگ در معبدی در کریمه کشف شده و این در حالی است که جواد مشکور (۱۳۶۳: ۱۹۹) ذکر می‌کند سمرتم‌ها [سامارات‌ها] در نیمه‌ی قرن سوم پ.م. از رود ولگا گذشته و اقوام سکایی را به سوی کریمه راندند.

لاورگرن (نک. منابع اینترنتی، 1: Lawergren 2006) اظهار می‌دارد که چنگ‌های سنگین زاویه‌دار قائم در دوران هلنی غالب بوده و به کار می‌رفته‌اند. بنابراین، این چنگ‌ها احتمالاً در دوران سلوکیان (۲۶۱-۳۱۲ پ.م.) مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. چنگ‌های زاویه دار قائم، در ابعاد بزرگ و کوچک، در نمونه‌های دوران اشکانی نیز مشاهده شده است.



۲

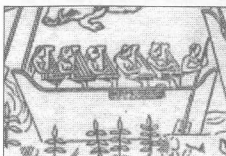


۱

شکل ۱۵

۱. موزائیک‌کاری، کاخ بیشاپور در استان فارس کنونی، نیمه‌ی دوم سده‌ی سوم میلادی (گیرشمن ۱۳۵۰: ۲۵۷)
 ۲. چنگ‌نواز دوران اشکانی (مالکوم ۱۳۸۰: ۱۷۲ ت d).

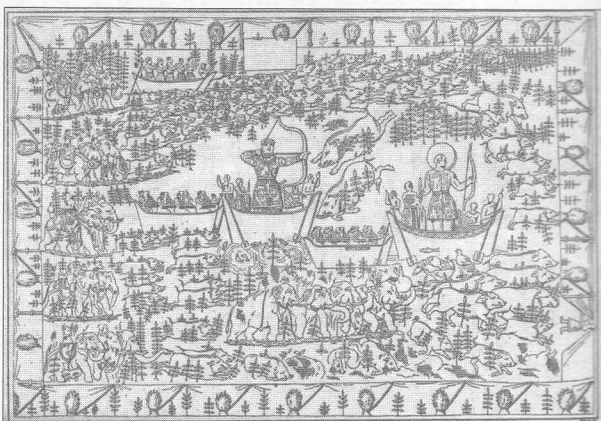
چنگ‌های زاویه‌دار قائم در اواخر دوران ساسانی (۲۲۴-۶۴۲ م) نیز استفاده می‌شده‌اند. در تصویر شکار، بر تاق بستان، تعدادی چنگ‌نواز در قایق‌ها مشاهده می‌شوند. در دو قایق، چنگ‌نوازان به صورت گروهی در حال نواختن چنگ‌های زاویه‌دار قائم نشان داده شده‌اند.



۲



۳



۱

شکل ۱۶. ۱. صحنه‌ی شکارگاه: تاق بستان. دوران ساسانی، خسرو دوم یا خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م)
 ۲ و ۳. چنگ‌نوازان گروهی، چنگ‌های قائم (جنیدی ۱۳۶۱: ۱۲۷).

Shiraz-Beethoven.ir



مقام‌های تنبور یارسان (۲)*

۱۸ و ۱۹. شیخ امیری ۲۱

این مقام‌ها منسوب به شیخ امیر، یکی از پیشوایان یارسان، متولد ۱۰۹۲ ه.ش در روستای قزوینه واقع در ۸۰ کیلومتری شرق کرمانشاه بین شهرهای صحنه و کنگاور، است. وی مجموعه‌ای از اشعار فلسفی و باطنی به زبان کردی گورانی سروده که به نام دفتر شیخ امیر معروف است.

هر دو مقام شیخ امیری جزء مقام‌های کلام محسوب می‌شوند و به صورت سازی-آوازی اند و توسط کلام‌خوان، که معمولاً تنبور را نیز خودش می‌نوازد، اجرا می‌شوند. مقام شیخ امیری اول به شیخ امیری گوران معروف است که گاهی در این منطقه آن را پیشروی نیز می‌گویند. این مقام وزن آزاد دارد و به صورت سازی-آوازی اجرا می‌شود. مضمون آن دعوت از یاران و تشویق آنها جهت حضور در جمع است.

استاد علی اکبر مرادی در مورد مضمون اشعار این مقام می‌گوید: «مانند پروانه‌ای در حال پرواز از یک گل به گل دیگر به دنبال محبوب باش / با طمع به مال دنیا پوچ نشو / با وارستگی وارد جمع شو / و دیگران را نیز به عشق دعوت کن / و مانند باران بهار بخشنده باش».

شیخ امیری دوم نیز از مقام‌های کلام است که به صورت سازی-آوازی و موزون اجرا می‌شود،

* این مقاله، به دنبال مقاله‌ای که در شماره‌ی قبل چاپ شد، به تشریح قطعات اجراشده در سیدی‌های ۲ تا ۴ از آلبوم زیر می‌پردازد:

Ali Akbar Moradi (chant et tanbur), *Kurdistan iranien, les maqam rituels des Yarsan*. Paris: Inedit, 2002.

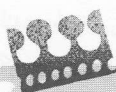
(occasion) و «رویداد» (event) توجه می‌کند.^{۱۳} موقعیت بستر اجرا را به صورت یک «ماهیت اجتماعی و شناختاری» عمومی معرفی می‌کند؛ بنابراین، نمایانگر قاعده‌ی مجردی برخاسته از این پرسش است: محفل قوآلی چیست؟ رویداد هریک از تجلی‌های خاص این قاعده‌ی کلی است؛ بنابراین، وقوع عینی برخاسته از این پرسش را به نمایش می‌گذارد: این محفل قوآلی چیست؟ در این تمایز، به طور ضمنی، یک چشم‌انداز دو بُعدی از لحاظ ساختار وجود دارد: بُعد عملی یا رفتاری، شامل اجزای تشکیل‌دهنده‌ی فرآیند اجرا، و بُعد نظری یا شناختاری شامل مفاهیم یا قواعدی که زیرساز این اجزا هستند.

گرچه تمایز شناختاری- رفتاری مفهوم‌سازی خود را مدیون قوم‌دانش‌شناسی (ethnoscience) است، اما من در اینجا آن را به عنوان ابزاری برای پرداختن به فرآیند و ساختار زیرساز آن به کار برده‌ام، نه به عنوان رویکردی به خود تحلیل. رویکرد قوم‌دانش‌شناختی بر این فرض استوار است که دو حوزه‌ی قوم‌نگاشتی وجود دارد، رفتاری و شناختاری، و اینکه اینها دو نوع تحلیل ایجاد می‌کنند، یکی فرمال، محتوایی یا معنایی، دیگری وضعیتی (situational). تحقیق پدیدآمده از این رویکرد تحلیل بُعد شناختاری را به طرز شاخصی پالایش داده و با این کار روشن کرده است که مقوله‌های ادراکی (categories of perception) تحلیلگر و اطلاع‌رسان چه تمایزی با یکدیگر دارند. این رویکرد، به‌ویژه، مقوله‌های تحلیلی سودمندی برای برخورد با چارچوب معنایی (semantic) مفهوم‌سازی‌هایی که بنیان یک سنت اجرایی، همچون قوآلی، را تشکیل می‌دهند فراهم می‌کند. با این حال، این‌گونه جداسازی، به لحاظ تحلیلی، این توهم را به وجود می‌آورد که نوعی دوگانگی بین آرمان و واقعیت، یا بُعد رفتاری، وجود دارد. این امر در درک فعل و انفعال پیچیده‌ای که عملاً در جریان یک رویداد اجرا، بین قواعد یا توقع‌های استاندارد، از یک سو، و راهبردهای فردی یا پاسخ‌های رفتاری، از سوی دیگر، رخ می‌دهد، دخالت می‌کند. بنابراین، من پیشنهاد می‌کنم به جای برخورد با مفهوم‌سازی‌ها، به عنوان یک حوزه‌ی شناختاری جداگانه، با موقعیت اجرا، به عنوان یک ماهیت قوم‌نگاشتی، برخورد کنیم، اما هم از منظر شناختاری و هم از منظر رفتاری.

به‌زبان ملموس، تحلیل ساختار موقعیت اجرا یعنی معلوم‌کردن قواعد چیدمان و روندی که بین شرکت‌کنندگان مشترک است. در رابطه با آئینی همچون قوآلی، این واقعیت که این قواعد متأثر از یک رشته مفاهیم دقیق‌اند، کاوش را آسان می‌کند، اما در نهایت آنچه به این واقعیت مربوط می‌شود «آگاهی کاری» ای است که فرد فرد شرکت‌کنندگان از این قواعد دارند. درست مثل ساختار موسیقایی، اینجا نیز یک قوم‌نگاری خوب یعنی مرتبط‌کردن مفاهیم متعلق به اطلاع‌رسانان که تحلیلگران به دست آورده‌اند - به یکدیگر، جدا از تفسیری که تحلیلگر از آنها ارائه می‌دهد. کاوش نظام‌مند در چیدمان موقعیت اجرا بر گستره‌ی عامل‌هایی حاکم است که در سراسر این موقعیت پایدار می‌مانند یا پیش‌نیاز آن هستند؛ از جمله بُعدهای زمان، مکان، افراد، و بنیان عقلانی.^{۱۴} روند تمامی چیزهای مربوط به نحوه‌ی تجلی اجرا را دربر دارد. از جمله قواعد حاکم بر

Shiraz-Beethoven.ir

گزارش کنگره‌ی موسیقی جهان اسلام
اصیله (مراکش)، ۸ تا ۱۳ اوت ۲۰۰۷



درآمد

کنگره‌ی موسیقی جهان اسلام از ۱۷ تا ۲۲ مرداد ۱۳۸۶ (۸ تا ۱۳ اوت ۲۰۰۷) در شهر اصیله‌ی مراکش، توسط مؤسسه‌ی متدی اصیله (Fondation du Forum d'Assilah) و خانه‌ی فرهنگ‌های جهان (Maison des Cultures du Monde)، با ۵۱ شرکت‌کننده از سراسر جهان برگزار شد. ارجاعات مکرر برگزارکنندگان، چه در سمینار تدارکاتی این کنگره، در سال ۲۰۰۵، و چه در افتتاحیه‌ی خود کنگره، به کنگره‌ی موسیقی عرب که در سال ۱۹۳۲ در قاهره برگزار شده بود، نشان می‌داد که برگزارکنندگان اهمیت کنگره‌ی فعلی را درک کرده‌اند و آن را با اهمیت کنگره‌ی قاهره قابل مقایسه می‌دانند.

۷۵ سال پیش، در قاهره، نخستین همایش جهانی موسیقی درباره‌ی یک موسیقی غیرعربی، موسیقی‌شناسان و موسیقیدانان سرشناسی، مثل رثوف یکتایی، محمود الحفنی، اریش فُن هُرن بُستِل، کورت زاکس، هنری جرج فارمر، بلا بارتوک، یل هیندمیت و آلوئیس هابا، راگرد هم آورده بود تا برای یکپارچه‌سازی عمل موسیقایی، به‌ویژه در آنچه به فواصل و گام‌های موسیقی عربی، مربوط می‌شد، و نیز مسائل مربوط به تجدد و سنت، به بحث و تبادل نظر بپردازند. این کنگره، با همه‌ی اهمیت آن، نتایج مطلوبی به بار نیاورد. محدودیت‌ها و خودهدف‌ان (یکپارچه‌سازی، به‌جای پذیرش تنوع)، و نیز برگزاری آن درست در بحبوحه‌ی تبّ تجدطلبی، امکان تأثیرگذاری را